



بابارحمان گندم‌های مزرعه را درو کرده بود و می‌خواست به آسیاب روستا ببرد. امید گفت: «بابارحمان، اجازه می‌دهید من و آرزو هم با شما بیاییم؟» من گفتم: «بابارحمان، ما تا به حال آسیاب را ندیده‌ایم.» آسیاب روستا چوب‌های بزرگی دارد که مثل پروانه‌ی پنکه می‌چرخند. امید گفت: «بابابزرگ، این چوب‌ها چطوری می‌چرخند؟ برقی هستند؟»

بابارحمان گفت: «باد آن‌ها را می‌چرخاند. پرسیدم: «برای چی آن‌ها می‌چرخند؟»

بابارحمان پاسخ داد: «وقتی چوب‌ها می‌چرخند، سنگ آسیاب به حرکت در می‌آید و گندم‌ها را تبدیل به آرد می‌کند.»

امید پرسید: «مگر آسیاب با برق کار نمی‌کند؟» بابارحمان لبخندی زد و گفت: «آسیاب روستای ما هیچ برقی مصرف نمی‌کند. ما به کمک باد، آرد درست می‌کنیم. این طوری هیچ هزینه‌ای هم برایمان ندارد.»*

محمد هادی نیکخواه آزاد
تصویرگر: مرجان حیدری

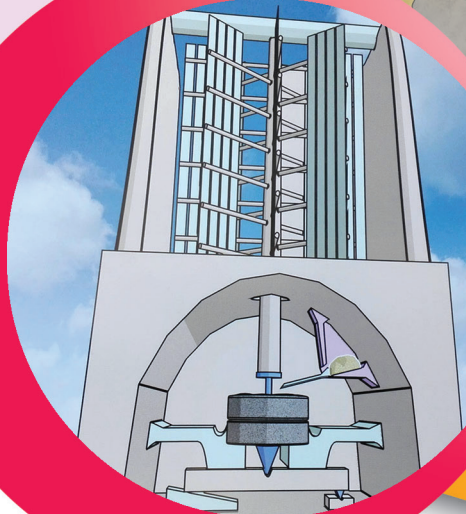
پاک و ارزان



آسیاب بادی نشتیفان

* به آسیاب بادی، آسیاد می‌گویند.





این فیلم را ببینید.



این فیلم را ببینید.

امید گفت: «چه جالب بابا رحمان! چرخ چاه زمین کشاورزی شما هم با نیروی باد کار می‌کند!»

بابا رحمان گفت: «بله پسرم. چرخ چاه ما هیچ سوختی لازم ندارد. خیلی ساده و ارزان، آب را از چاه می‌کشد و توی حوضچه می‌ریزد.» سپس ادامه داد: «بچه‌ها! منابع انرژی پاک و ارزان دیگری هم وجود دارند. از همه‌ی آن‌ها بزرگ‌تر و مهم‌تر، خورشید است. نور خورشید می‌تواند به ما گرما بدهد، بدون اینکه بخواهیم گاز یا سوخت دیگری مصرف کنیم. حتی می‌توانیم با آن برق هم تولید کنیم. برق مجانی، بدون آلوده شدن هوا.»